

## زمینه‌ها و عوامل توسعه فقه روایی شیعه در سده‌های ۲-۴ق

علی مهمان‌نواز<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۰، پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹، صفحه ۱۳۹ تا ۱۶۰ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

حدیث امامیه در گذر زمان دچار تحولاتی شده است. تغییر اندیشه ایشان از دوره اهل بیت و انتقال آن از کوفه به بغداد و سپس قم، با فراز و نشیب‌های گوناگونی همراه بوده است. بوم‌گرایی و جریان‌های مؤثر بر هر یک از بوم‌ها از جمله عوامل جهت‌گیری‌های گوناگون در میان اندیشمندان سده‌های نخستین قلمداد می‌گردد. در این مجال کوشیده شده در گذر از رویکردهای حدیثی بوم‌های گوناگون، به ویژگی‌های هر منطقه پرداخته و اثرات آن را بر تفاوت نگرش‌های حدیثی و فقهی نشان دهد. چه این‌که جریان‌های غالب بر هر یک از بوم‌ها توانسته است بر خطی مشی درایی یا روایی حدیث و به تبع آن گوناگونی آراء فقهی، اثر گذار باشد. از این‌رو، با رصد کردن جریان‌های غالب در هر منطقه به واکاوی پیوند هر جریان با گفتمان برآمده از مکاتب حدیثی و روایی آن عصر پرداخته و در نهایت اثرات آن بر موضع‌گیری‌های فقهی واکاویده شده است.

کلیدواژه‌ها: فقه، حدیث امامیه، عقل‌گرایی، نقل‌گرایی، اصحاب رأی، اصحاب حدیث.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد علوم، تحقیقات و فن‌آوری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
mehman1366@gmail.com

## درآمد

آگاهی از تاریخ ادوار فقهی و حدیثی بسیار دشوار است؛ چه آنان که نوشته‌های تاریخی پدید آورده‌اند، عموماً گرایشی به ثبت وقایع و جریان‌های حدیثی و فقهی نداشته‌اند و آنان که حدیث و فقه در بوتۀ توجهشان قرار داشته، عموماً به مسائل، تاریخی نمی‌نگریسته‌اند. برجای ماندن نوشته‌های حدیثی و فقهی از برخی دوره‌های تاریخ امامیه، در کنار آثار رجالی زمینه آن را فراهم آورده است تا برای آنان که در عصر حاضر به حدیث و فقه، تاریخی می‌نگرند، دستمایه‌ای ارزنده برای مطالعه در تاریخ آن دوره فراهم آید (پاکتچی، ۱۳۸۵ش، ۱). از این رو، می‌بایست از رهگذر تاریخ و با نکته سنجی از لابه‌لای سخنان مورخان به پیوند آن با علم حدیث و فقه و محدثان و فقهای متقدم دست یافت.

از سویی دیگر در سده‌های نخستین، علوم اسلامی پیوندی عمیق با یکدیگر داشتند و از آنجایی که این علوم هیچ کدام حیثیتی جداگانه و شکل یافته‌ای نداشت، عالمان سده‌های نخستین در چندین حوزه، نظریه‌پردازی نموده‌اند. گاه بعضی از آن‌ها در سه حوزه حدیث، فقه و کلام دارای اثر هستند. حال آن‌که بی‌شک هر یک از این حوزه‌ها بر سایر حوزه‌های هم‌جوار اثرگذار بوده و در اینجاست که کار محقق را در ارزیابی نگاه تاریخی دچار چالش می‌نماید.

## طرح مسئله

با جستجو و مطالعه در ادوار تاریخ حدیث شیعه این نکته به چشم می‌خورد که در طول زمان دچار تغییر شده است. حدیث و به تبع آن فقه شیعی در تحولات تاریخی خود سیر گوناگونی را تجربه کرده است. این موضوع توجه بسیاری از تاریخ پژوهان را به خود جلب کرده و دانشمندان این عرصه سعی کرده‌اند این تغییر را هر چند با نقطه آراء گوناگون به بحث و گفتگو گذارند، شرح سرگذشت زندگانی علمی فقها در اعصار گوناگون یا جبهه گیری‌های علمی ایشان در مواضع فقهی را نشان دهند و با تقسیم‌بندی‌های گوناگون اعصار حدیثی و فقهی را از یکدیگر متمایز نمایند و نامی مشخص برای هر یک از این مقاطع برگزینند (گرچی، ۱۳۷۵ش، سراسر اثر؛ سبحانی، ۱۳۸۷ش سراسر اثر؛ معروف حسنی، ۱۳۶۱ش، سراسر اثر؛ یحیی محمد، ۱۳۸۸ش، سراسر اثر).

حال آن‌که به دلایل و ریشه‌های این تفاوت رویکرد که برآمده از گفتمان عصری است، نپرداخته‌اند.

برخی دیگر از تاریخ‌پژوهان معاصر نیز در صدد تبیین این تغییر رویکرد در حدیث و فقه امامیه بوده و سعی نموده‌اند اشخاص مؤثر در شکل‌گیری نقاط عطف جریان‌ها را شناسایی نمایند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸ش، ۲۹-۴۹؛ پاکتچی، ۱۳۷۵ش، سراسر اثر). در دوره حضور امامان از افرادی چون زراره بن اعین (د ۱۵۰ق)، مؤمن الطاق (د ۱۶۰ق)، هشام بن حکم (د ۱۷۹ق)، هشام بن سالم (د ۱۸۳ق)، یونس بن عبدالرحمان (د ۲۰۸ق) و فضل بن شاذان (د ۲۶۰ق) هم‌چون فقیهان رأی‌گرا نام برده‌اند و در دوره غیبت صغری از کلینی (د ۳۲۹ق)، ابن ولید (د ۳۴۳ق) و ابن بابویه (د ۳۸۱ق) هم‌چون شاخص نص‌گرایی و در مقابل آن‌ها اشخاصی هم‌چون ابن‌ابی‌عقیل (د ۳۳۰ق) و ابن جنید (د ۳۸۱ق) هم‌چون نمایندگان از مکتب رأی‌گرایی معرفی شده‌اند (نک: ادامه مقاله)

اما آنچه در این میان به نظر حائز اهمیت است، علت‌یابی این تغییر شگرف در تاریخ حدیث شیعه است. چه این‌که این تغییر دستخوش عوامل مختلفی بوده که در ظاهر امر بر محققان پوشیده است. قطعاً عاملی خاص نمی‌تواند این تغییر بسیار بنیادین و اساسی را ایجاد نماید؛ بلکه سلسله‌ای از عوامل دست به دست داده و این تغییر نگرش را در فقه شیعه ایجاد کرده است. در این میان سؤالاتی مطرح است که پاسخ بدان اهتمام اصلی این مطالعه را به خود اختصاص می‌دهد: اولاً، چرا شهرها و بلاد مختلف اسلامی در سده‌های متقدم رویکردهای گوناگونی نسبت به حدیث و فهم آن داشته‌اند؛ ثانیاً، جریان‌های اثرگذار در هر یک از آن‌ها چه نقشی در این رویکردها داشته است؛ و ثالثاً، اثرگذاری و اثرپذیری علم حدیث با فقه چگونه بوده است؟ در مطالعه پیش‌رو بنا داریم برای یافتن پاسخ همین سؤالات بکوشیم.

### ۱. رویکردهای امامیه به حدیث تا سده ۴ق

تتبع در آثار حدیثی امامیه بیانگر آن است که مولفان آن‌ها در تدوین نوشته‌های خویش رویه‌ای واحد را طی نکرده‌اند. حدیث در ادوار تاریخی خویش دستخوش تحولات گوناگونی بوده و این به نوبه خود در شکل‌گیری و گرایش‌های حدیثی محدثان اثرگذار بوده است. پیدایش عقل‌گرایی و در تقابل با آن گرایش‌های نص‌گرایی از جمله این تغییرهاست.

### الف) صادقین (ع) و اصحاب ایشان

از زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) رویکرد عقل‌گرا بر حدیث امامیه حاکم شد. آموزه‌های امام صادق (ع) به شاگردانش به گونه‌ای بود که قدرت استنباط و قوه اجتهاد را در ایشان بارور نماید و در صورت فقدان امام (ع)، بتوانند خود در حل مسائل فقهی توانمند گردند. امامان به صراحت و وظیفه خود را با جمله «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع» بیان اصول و قواعد کلی دانسته و تفریع و استنتاج احکام جزئی را به عهده پیروان خویش گذارده‌اند (بزنتی، ۱۳۷۰ق، ۴۷۷). این نکته را گاه حتی در پاسخ سؤالات اصحاب خویش خاطر نشان ساخته و بدانان تذکر می‌داده‌اند که پاسخ مسئله ایشان با روش استدلالی و اجتهادی از اصول کلی و مسلم حقوقی اسلامی قابل استنتاج و استنباط است (کلینی، ۱۳۶۳ش، ۳/۳۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۴۶ش، ۱/۴۶۳؛ همو، ۱۴۰۶ش، ۱/۷۸-۷۷).

در سیره صحابه و شاگردان امامان نیز این طرز تلقی نسبت به مباحث فقهی وجود داشته است. در نسل شاگردان امام صادق (ع) برای نمونه از یونس بن عبدالرحمان و فضل ابن‌شاذان، کاربرد اجتهاد حتی تا عمل به گونه‌هایی از قیاس گزارش شده است. سید مرتضی (د ۴۳۶ق) در سده پنجم به صراحت اعلام می‌کند در بین روایات احادیث ما شخصیت‌هایی مانند یونس بن عبدالرحمان (د ۲۰۸ق)، فضل بن شاذان (د ۲۶۰ق) و جماعت شناخته شده‌ای وجود دارند که به قیاس اعتقاد دارند (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ۳/۳۱۱).

ابن‌بابویه نیز ابن‌شاذان را به دلیل قیاس در دین ملامت و او را بدان متهم می‌کند (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴/۲۷۰). زرارة بن اعین نیز توسط پسینیان هم‌چون نماد و نماینده‌ای از رأی‌گرایی شناخته شده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۶ق، ۳/۲۷۱-۲۷۲، ۲۷۶). تا جایی که آراء وی را هم‌سان با ابوحنیفه (د ۱۵۰ق) در رأی‌گرایی تلقی کرده‌اند (کشی، ۱۳۴۹ش، ۱۶۵)؛ برای روایاتی حاکی از هم‌سانی زراره با ابوحنیفه (نک: همو، ۱۴۵-۱۴۶، ۱۴۹)؛ نیز، برای اطلاع از کلام‌گرایی زراره (نک: پیروزفر، ۱۳۹۴ش، سراسر اثر). لازم به ذکر است که کارکرد رأی‌گرایی آن‌ها در مسائلی بود که به صراحت در کتاب و سنت سخنی از آن به میان نیامده و حکم آن روشن نشده بود. چنانچه مدرسی نشان داده است اینان بر اساس روش‌های استدلالی و تعقلی در چهارچوب نصوص قرآن و سنت با استفاده از شیوه قیاس منطقی و نه روش ظنی تمثیل منطقی که در عرف فقهی قیاس نامیده

می‌شود، به اجتهاد می‌پرداختند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸ش، ۳۴-۳۶) با وجود چنین جریان‌هایی که تعداد انبوه و جریان اصلی از نسل شاگردان صادقین (ع) را شامل می‌شد؛ اما در نقطه مقابل، همزمان کسانی محدود بودند که تمایل چندانی به عقل‌ورزی و استنباط در فهم و بکارگیری حدیث نداشتند (نک: کشی، ۱۳۴۹ش، ۲۷۹، ۴۸۷) و در صورت وجود امام (ع) رجوع به عقل جهت پاسخ دادن به مشکلات دینی را امری خلاف اصول و مبانی فکری امامیه می‌دانستند (نک: همو، ۱۴۷-۱۴۸؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ۱/ ۹۲، ۱۰۲، ۱۰۳). برای نمونه، روایتی منسوب به جابر بن یزید جعفی (۱۲۸ق) با سخت‌ترین لحن از داشتن رویکرد انتقادی به احادیث، منع شده است، چنان‌که به نقل او، احادیث اهل‌بیت بسیار صعب و مستصعب‌اند و هر گونه سؤال از چگونگی صدور آن‌ها موجب شرک به خداست (کشی، ۱۳۴۹ش، ۴۹۶). اینان در قبول بدون شرط روایات تا آنجا پیش رفتند که در روایتی منقول از ابوبصیر (د ۱۵۰ق) آمده که هر حدیثی از هر کس نقل شده باشد تکذیب نکنید، مبدا خدا بر عرش ناآگاهانه تکذیب شود (صفار، ۱۳۶۲ش، ۵۳۸). در روایت دیگری که آن نیز منسوب به ابوبصیر است به صراحت تمام خبر قدری، مرجئی و خارجی که منسوب به ائمه باشد، پذیرفته می‌شود و از تکذیب آن نهی شده است، مبدا خدا بر عرش تکذیب گردد (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵ق، ۲/ ۳۹۵).

### ب) نص‌گرایان و فقه‌گرایان در سده‌های ۳-۴ق

در اواخر سده ۳ق و هم‌زمان با شروع غیبت صغری، رد بر اجتهاد و فروع آن در آثار فقیهان حدیث‌گرا بابی مخصوص به خود داشت (برای نمونه، نک: صفار، ۱۳۶۲ش، ۳۱۹-۳۲۰؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ۲۰۹-۲۱۵). افزون بر این، کلینی (د ۳۲۹ق) در کتاب فضل‌العلم به نقد جریان‌های قیاس محور پرداخته و دربردارنده دیدگاه اصلی مؤلف در رجوع به کتاب و سنت در همه مسائل است (نک: کلینی، ۱۳۶۳ش، ۱/ ۵۴-۵۹).

درواقع تا پایان سده ۴ق در گام‌هایی که از سوی فقیهان حدیث‌گرای امامیه در جهت تدوین فقه امامی برداشته شد، شیوه معمول آن بود که متون روایات عیناً هم‌چون حکم معمول در اختیار فتواجویان قرار گیرد؛ در اینگونه آثار، افزوده‌ها و برداشت‌هایی از مؤلفان به ندرت دیده می‌شود (برای نمونه، نک: ابن‌بابویه، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۳-۵؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷ش، ۱/ ۲). در توضیحی بر دیدگاه این مکتب باید متذکر شد که فقهی چون ابن‌بابویه، گام را از نفی اجتهاد آن سوتر نهاد،

هر گونه تخطی از متون روایات و اقدام به استنباط و استخراج در فقه را به انتقاد گرفته است (نک: ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ۱/ ۶۲).

تغییر رویکرد از فقه‌درایی به سمت نص‌گرایی در میان امامیه چیزی نیست که بتوان به سادگی از آن گذر کرد و آن را شیوه‌ای طبیعی در گذار تاریخی دانست. این تحول تحت تأثیر عوامل گوناگونی شکل گرفته و یک علت به‌تنهایی نمی‌تواند این تحول عظیم را ناشی شده باشد. در این مجال کوشیده شده تا عوامل دخیل در این تحول به‌طور نظام مند و پیوسته، مورد بحث و مذاقه قرار گیرد.

## ۲. رأی‌گرایی در کوفه و بغداد

شهر کوفه در سده دوم از مراکز مهم علوم اسلامی بوده تا جایی که می‌توان نشو و نمو آثار امامیه را در این شهر جستجو کرد. نخستین گروه از شاگردان امام باقر (ع) مردانی از شهر کوفه بودند که در رأس آن‌ها باید از خاندان اعین یاد کرد (نک: ابوغالب زراری، ۱۴۱۱ق، ۱۵۲؛ برای اطلاع بیشتر از خاندان اعین، نک: رحیمی پور، ۱۳۹۳ش، سراسر اثر؛ بخش معارف، ۱۳۷۴ش). در عهد امام صادق (ع) مشایخ کوفه موفق شدند تا به صورت فردی یا گروهی به خدمت آن حضرت (ع) رسیده و اخذ حدیث کنند (معارف، ۱۳۷۶ش، ۳۵۶). امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بارها به کوفه آمدند و در این رفت و آمدها، محدثان شیعه و سنی از ایشان بهره‌های فراوان گرفتند. اقامت پنج ساله امام صادق (ع) در ایام خلافت سفاح در شهر هاشمیه (نک: کلینی، ۱۳۶۳ش، ۶/ ۴۵۵) و نقل روایت از نزدیک برای شیعیان بیش از پیش به غنای علمی شیعه در کوفه کمک کرد.

آثار برجای مانده از امامیه گویای آن است که راویان اخبار صادقین (ع) در درجه اول کوفی بودند (برای فهرستی از این راویان، نک: شیخ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۲۱-۳۲۸). تا جایی که حسن بن علی بن زیاد و شاء (د ۲۲۰ق) از یاران امام کاظم، امام رضا و امام هادی (ع) و یکی از راویان امام رضا (ع)، جلیل‌القدر و مورد اعتماد بود (نک: برقی، ۱۳۸۳ق، ۵۱) - نهصد تن از مشایخ حدیث را در مسجد کوفه درک کرد که همه در مقام تدریس می‌گفتند: حدیثی جعفر بن محمد (نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۵۱). مضاف بر این‌که از میان هجده نفر اصحاب اجماع غیر از معروف بن

خزبوذ (د ۲۰۰ق) که مکی (شیخ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۲۰) و محمد بن ابی‌عمیر (د ۲۱۷ق) که از بغداد بود (نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۳۲۶)، شانزده نفر باقیمانده اهل کوفه یا ساکن آنجا بودند.

### الف) علل رواج رأی‌گرایی در کوفه

ویژگی و مختصات این شهر باعث شده بود تا فقه شیعه و فقهای ساکن در آن به سمت رأی‌گرایی پیش روند. بر خلاف آنچه تصور می‌شود که فقه امامیه در این عصر به دلیل التقاط آن با آموزه‌های مستقیم ائمه می‌بایست به سمت نص‌گرایی پیش می‌رفت؛ اما ویژگی‌های شهر کوفه مانع شکل‌گیری این تفکر در میان متفکران از فقها شده بود. آن‌چنان که بعضی دریافتند، بعد مسافت بین کوفه و مدینه و عدم امکان حضور دائم در محضر امام معصوم (ع) و دریافت پاسخ برای پرسش‌های نو، سبب روی آوردن برخی از محدثان کوفه به رأی و ظن و قیاس و استحسان یا اظهار تمایل به این گونه طرق ظنی شده بود (آصفی، بی‌تا، ۳۷؛ فضلی، ۱۴۱۴ق، ۳۴۱-۴۴۱). افزون بر این، اندیشمندان معاصر از تزلزل این شهر و فرقه‌گرایی آن سخن می‌گویند. گو این‌که این شهر بستر شکل‌گیری آراء و آراء مختلف بوده است (برای اطلاع بیشتر در این باره، نک: جعفریان، ۱۳۸۰ش، ۲۴؛ مادلونگ، ۱۳۸۷ش، ۱۵۳). همه این تحولات و چند دستگی‌ها باعث شکل‌گیری نظرها و آراء مختلفی در این شهر گردید که پای خویش را در عرصه دانش حدیث و فقه نیز گسترانیده بود.

وجود گرایش‌های فقهی اهل سنت در کوفه را نباید در اثرگذاری آن‌ها بر فقه شیعه بی‌تأثیر دانست. در نیمه نخست سده دوم، گرایش به رأی و شیوه‌های اجتهادی در مباحث فقهی، خاصه در کوفه میان عالمان اهل سنت به نحوی شاخص رو به رشد نهاد، به طوری که پس از آن کوفه پایگاهی برای فقه اصحاب رأی شناخته شد. از نخستین شخصیت‌های مؤثر در شکل‌گیری مکتب اصحاب رأی در کوفه، باید از حماد بن ابی سلیمان (د ۱۲۰ق)، برجسته‌ترین شخصیت مکتب ابن مسعود (د ۳۲ق) در عصر خود یاد کرد که رجوع اهل دانش بدو کم‌تر برای شنیدن آثار، و عمدتاً برای آگاهی بر رأی او بوده است (برای نمونه، نک: ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۵/۲۳۱؛ ابن سعد، ۱۹۱۵م، ۶/۲۳۲). از دیگر عالمان پس از او که به فقیهانی رأی‌گرا در کوفه شهرت یافتند، ابن شبرمه (د ۱۴۴ق) و ابن ابی لیلی (د ۱۴۷ق) از کسانی است که از روی اجتهاد خود فتوا می‌داد و هنگامی که یوسف بن عمر از او پرسید: روش تو در قضاوت چیست؟ او گفت: به رأی و نظر خودم عمل می‌کنم و

یوسف بن عمر نیز گفت: من تو را به قضاوت در کوفه می‌گمارم، و ابن‌قتیبه (د ۲۷۶ق) نیز وی را اهل فتوا بر اساس رأی می‌داند (نک: ابن‌قتیبه دینوری، ۱۹۹۲م، ۴۹۴) \_ را باید نام برد؛ اما در شکل‌گیری تعالیم اصحاب رأی، شخصیتی که نقش موسس را ایفا کرد و فقه او از تحقیق نسبی در اصول نظری برخوردار بود، ابوحنیفه (د ۱۵۰ق) پیشوای حنفیان است (پاکتچی، ۱۳۶۷ش، ۴۴۳). فقهای سرزمین عراق به خصوص کوفه، از مروجان اصلی این دیدگاه بودند که نماد آن‌ها ابوحنیفه بوده است. در آغاز شکل‌گیری فقه‌درایی در کوفه، فقهای عراقی در پاره‌ای از مسائل اجتهادی فقه، اظهار نظر می‌کردند (نک: صنعانی، ۱۴۰۳ق، ۲/ ۲۲۵؛ مالک بن انس، ۱۳۷۰ق، ۱۹) و در مقابل، بازماندگان اصحاب در حجاز، به نقد فتاوی عراقی می‌پرداختند (برای نمونه‌ها، نک: صنعانی، ۱۴۰۳ق، ۱/ ۵۷۵).

پاکتچی نیز سعی نموده است فضای گفتمانی تأثیر پذیرفته شیعه را در هم‌راهی با جریان حاکم رأی‌گرایی توصیف کند. در عصر امام صادق (ع) فقه با گذار از دوره نظام‌گرا وارد مرحله‌ای شده بود که در برخی از محافل مانند مذهب ابوحنیفه، منجر به شکل‌گیری فقه نظام یافته شده بود. رویکرد نظام‌یافته به فقه در اواسط سده ۲ق، نیازی عمومی در محافل فقهی بود که به زودی از محافل رأی‌گرا توسعه یافت و به محافل نص‌گرا نیز گسترده شد. در آموزه‌های امام صادق (ع)، مجموعه‌ای از مشخصه‌ها وجود دارند که به خوبی تعلق داشتن این آموزه‌ها به یک رویکرد نظام‌گرا را نشان می‌دهند و این ویژگی ارتباط مستقیمی با جنبه فهم در این آموزه‌ها داشت. این ویژگی فقهی امام (ع) توانست توسط پیروان غیر معصوم، دوام یابد و صورت یک مذهب ماندگار به خود گیرد (پاکتچی، ۱۳۹۱ش، ۱۴۵).

### ب) نقش متکلمان کوفی

یکی دیگر از ریشه‌های اصلی شکل‌گیری چنین رویکردی درایی و عقل‌گرا را باید در محافل کلامی کوفه جستجو کرد. بسیاری از اصحاب ائمه (ع) و دانشمندان شیعی در آن اعصار متکلمانی برجسته بوده (اقبال، ۱۳۵۷ش، ۱۵) و آراء دقیقی در مسائل کلامی برجای مانده که از جمله آنان هشام بن حکم و هشام بن سالم و زرارة بن اعین و مؤمن طاق و یونس بن عبدالرحمان و فضل بن شاذان اند (برای توضیحات بیشتر، نک: ابن‌بابویه، ۱۳۹۸ق، ۹۷-۱۰۴؛ مفید، بی‌تا، ۱۱۹-۱۲۱؛ مفید، ۱۳۷۱ش، ۱۳۱؛ کشی، ۱۳۴۹ش، ۲۶۸-۲۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳/ ۲۸۸-۳۰۰، ۳۰۳).



بسیاری از مکتب‌های کلامی دیگر رایج در آن اعصار در میان متکلمان شیعی سده‌های اولیه هوادار داشته است (برای مشاهده شاگردی برخی عالمان شیعی نزد دیگر فرق کلامی، نک: مفید، ۱۴۱۴ق، ۲۲۱؛ مرتضی، ۱۴۰۵ق، ۱۴۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۳ق، ۵۴-۵۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ۱۲۶). در این میان امام صادق (ع) نیز بعضی از یاران خویش را در بکارگرفتن علم کلام و مناظره با مخالفان و رد دعاوی ایشان تشویق می‌فرمود (مشکور، ۱۳۶۸ش، ۷۱). اصحاب نیز با عرضه نظریه‌پردازی خود به امام، همواره خود را در معرض قضاوت نهایی نص امام معصوم (ع) می‌دانستند (کلینی، ۱۳۶۳ش، ۱ / ۱۷۱-۱۷۴). مناظره به منزله روشی عقلی نزد اصحاب ائمه در کوفه جریان داشته است؛ از جمله می‌توان به مناظره‌های متعدد هشام بن حکم، مؤمن طاق، فضال بن حسن و سید حمیری اشاره کرد (همو، ۱ / ۲۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۶ / ۴۰۶، طبرسی، ۱۳۷۱ش، ۳ / ۴۰۹).

اختلاف مکتبی در مسائل کلامی موجب پیدایش گروه‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف و پدید آمدن بحثهایی میان اصحاب ائمه گردید (برای توضیحات بیش‌تر درباره مجادلات اصحاب ائمه، نک: کشی، ۱۳۴۹ش، ۲۷۹-۲۸۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ۱۰۰). صحابه بزرگ هر یک برای خود گروهی مستقل داشتند و گاه هر دسته، دسته دیگر را کافر می‌شمردند (نک: کشی، ۱۳۴۹ش، ۲۷۹-۲۸۰، ۴۹۸؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ۸ / ۲۸۵) و کتاب‌هایی در رد یکدیگر و به طرفداری از گروه‌های متخاصم نوشته‌اند. از باب نمونه دو رساله هشام بن حکم در رد مؤمن طاق و هشام بن سالم (نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۳۶۲). *رساله فی معنی هشام بن حکم و یونس از علی بن ابراهیم قمی* (د ۳۰۷) که در تأیید دیدگاه‌های هشام بن حکم بوده، به ثبت رسیده است (همان، ۱۹۷).

برای تفصیل بحث می‌توان به نگارش کتاب‌های کلامی از جمله *التوحید* هشام بن سالم (میانجی، ۱۴۲۶ق، ۳۹۲). *الامامیه و فی اثبات الوصیه* از مؤمن طاق (حرانی، ۱۳۷۶ش، ۳۱۵). *التدبیر فی الامامه، الوصیه، الجبر و القدر، الحکمین، القدر، الاستطاعه* از هشام بن حکم (میانجی، ۱۴۲۶ق، ۴ / ۳۹۲). اشاره کرد. تا آنجا که به روایات مربوط می‌شود آن‌که درباره عقل و جایگاه حجیت آن به نقل از همین محدثین روایات زیادی در منابع روایی بازتاب یافته است بسیاری از آن‌چه درباره جایگاه عقل و حجیت آن در روایات نقل شده از طریق هشام بن حکم در کتب حدیث بازتاب یافته است (روایات اهمیت عقل‌گرایی از هشام بن حکم، نک: کلینی، ۱۳۶۳ش،

۱/ ۳۳، ۴۱، ۵۱).

### پ) رأی‌گرایان بغدادی

میراث جریان حدیثی امامیه در اواخر سده دوم از کوفه به بغداد منتقل گردید. در این میان هجرت جمعی از عالمان کوفی به بغداد نظیر حفص بن بختری، نصر بن سؤید، هشام بن حکم و شاگردش علی بن منصور، فضل بن یونس کاتب و زیاد بن مروان انباری، عبدالله بن سنان، حسن بن راشد را می‌توان یاد کرد (نک: شیخ طوسی، ۱۴۲۲ق، ۶۸؛ نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۸۴، ۹۳، ۱۹۲، ۲۳۳).

حتی عالمان بومی بغداد نیز نزد عالمان کوفی درس خوانده بودند؛ کسانی هم چون معمر بن خلّاد، حسن بن علی بن یقظین، فضل بن کثیر از جمله آن‌ها هستند (نک: نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۲۲۶، ۴۸۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۲ق، ۷۹، ۱۶۶؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ۱۰/۳۰) شاید همین هجرت‌ها سرانجام به افول مدرسه کوفه انجامید (برای اطلاع بیشتر، نک: سبحانی، ۱۳۹۵ش، ۲۹۳). به تدریج در بغداد این کلام به سمت اعتزال میل کرد؛ تا آنجا که معارف قرآنی و روایی به جای آن‌که نقش تعیین‌کننده داشته باشند، بیش‌تر نقش مؤید به خود گرفتند (همان، ۴۷-۴۸). علاوه بر متکلمان نوبختی (اقبال، ۱۳۵۷ش، ۴۴)، معتزلیان شیعه شده \_مانند ابن‌قبة رازی (د ۳۱۹ق) متکلم امامی که در آغاز معتزلی بود ولی پس از مدتی به مذهب امامیه گروید و ابن‌شهر آشوب و نجاشی او را هم‌چون متکلمی قوی دست و نیکو عقیده ستوده‌اند (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ۹۵؛ نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۳۷۵) و ابن‌مملک از متکلمان سده سوم امامیه (ابن‌ندیم، ۱۳۵۰ش، ۲۲۶) که نجاشی با عبارت عظیم‌القدر از او یاد کرده است (نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۳۸۰) \_ با ارائه یک دستگاه نو کلامی مدرسه کلامی بغداد را پایه‌گذاری کردند (سبحانی، ۱۳۹۵ش، ۵۹).

نباید از نظر دور داشت که مدرسه کلامی بغداد ادامه نظریه‌پردازی جریان متکلمان مدرسه کلامی کوفه بوده و شباهت‌های بسیاری با آن دارد. تأسیس مراکز علم آموزی در شهر بغداد، تأسیس بیت الحکمه و حمایت از نهضت ترجمه، راه ترویج اندیشه‌های مکاتب فکری خارج از حوزه اسلام و روحیه تضارب آراء را در میان مسلمانان فراهم کرد (غنیمه، ۱۳۷۷ش، ۸۵-۹۰؛ گوتاس، ۱۳۸۱ش، ۱۰۱-۱۰۵؛ خضری، ۱۳۸۴ش، ۸۲-۸۴ ابن‌خلدون، بی‌تا، ۱/ ۶۲۹؛ صبحی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۱۶-۱۸).

مضاف بر این‌که حکومت عباسی توانست با جمع‌آوری علماء اسلامی از بلاد گوناگون و تمرکز دادن بدان‌ها در شهر بغداد فضایی فرا بومی هم‌راه با تضارب آراء را در این شهر سامان دهد (ابن‌سعد، ۱۹۰۴م، ۱۷/۶۶؛ ذهبی، ۱۴۰۶ق، ۱۷۱-۱۷۲). سیاست خلفای عباسی بر این بود که از بغداد یک کانون علمی و آموزشی بسازند (منیرالدین، ۱۳۶۸ش، ۳۹). حاکمان بغداد از مناظرات عقل‌گرایانه دفاع می‌کردند و همه نحل‌های فکری در این مدرسه با حمایت‌های گاه و بیگاه حاکمان، کرسی نظریه‌پردازی برپا کردند (آدم‌متز، ۱۳۶۴ش، ۲۱۹-۲۳۸). افزون بر این‌که پذیرش رسمی مذهب اعتزال از سوی مأمون باعث مناظرات و عقل‌گرایی و نزدیکی علماء معتزله به دربار گشت (حتی، ۱۳۶۶ش، ۵۴۸؛ هولت، ۱۳۸۳ش، ۷۸).

نتیجه این سیاست‌ها حاکمیت گفتمان عقل‌گرایی در میان اندیشمندان مسلمان بود. متکلمان اسلامی که استفاده از ابزار و اسلوب‌های خصم را در مناظرات روا می‌دانستند، با ورود آثار فلسفی به دنیای اسلام به تفلسف روی آوردند (عید نفیسه، ۱۴۳۱ق، ۳۹). حتی برخی از متکلمان از جمله هشام بن حکم را در شمار فیلسوفان نام برده‌اند (شهرستانی، ۱۳۹۵ق، ۴۱-۴۴).

با در نظر داشتن این‌که بغداد یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های حدیثی اهل سنت به شمار می‌رفت و محدثان بزرگی در این شهر می‌زیستند (نک: خطیب بغدادی، بی‌تا، ۲/۲۰). اما نمی‌توان محدثان و فقهای امامیه را از این تحولات استثنا کرد؛ چه این‌که گزارش‌هایی از تعامل حدیثی اهل سنت و امامیه در این شهر نقل شده و حتی در برخی از موارد میان آنان مباحثاتی رخ می‌داد (برای نمونه، نک: ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ۲۲/۱۶۶-۱۶۷؛ برای اطلاع بیش‌تر از علم حدیث و فقه در بغداد، نک: پاکتچی، ۱۳۸۳ش، ۱۲/۳۱۳-۳۲۰).

وجود شخصیت‌های حدیثی که از شاگردان یونس بن عبدالرحمان در بغداد بودند نشان می‌دهد که جریان رأی‌گرایی در محیط امامیان بغداد از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. ابوجعفر ابن‌خانبه (کشی، ۱۳۴۹ش، ۳۱۷، ۵۶۶)، ابوالفضل عباس بن موسی وراق (نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۲۸۰)، نوح بن شعیب بغدادی (نک: کشی، ۱۳۴۹ش، ۵۵۸-۵۵۹) از وابستگان به همین مکتب بوده‌اند.

البته، نمی‌توان تمام متکلمان و محدثان بغداد را در زمره رأی‌گرایان تلقی کرد؛ بلکه عده‌ای هر چند محدود بودند که در تقابل با ایشان قرار گرفتند (برای نمونه ردیه ابوسهل نوبختی بر کتاب اجتهاد الرأی ابن‌راوندی، نک: ابن‌ندیم، ۱۳۵۰ق، ۲۲۵). علاوه بر آن‌که روش نقل حدیث یونس بن

عبدالرحمان از سوی برخی دیگر از عالمان بغداد مورد انتقاد قرار گرفت (نک: کشی، ۱۳۴۹ش، ۲/ ۷۸۶). یعقوب بن یزید انباری از اصحاب امام هادی (ع) که رجال‌شناسان از او با تعبیر کثیرالروایه یاد کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۲۲ق، ۲۶۴)، همانند استاد خویش ابن‌ابی عمیر با خط حدیثی یونس بن عبدالرحمان اختلاف نظر داشته و وی کتابی به نام *کتاب الطعن علی یونس* نوشته است (نک: نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۴۵۰).

### ۳. گرایش‌های فقیهان شیعی در قم

مرکز مهم حدیثی شیعه بغداد در آستانه غیبت صغرا رفته رفته به افول‌گرایید و این وضع تقریباً در نیمه اول غیبت صغرا نیز ادامه یافت. فشارهای سیاسی و فضای خفقانی که خلفای عباسی برای امامان و پیروانشان ایجاد کرده بودند، در این افول نقش اصلی را بر عهده داشته است (برای توضیحات بیشتر، نک: خطیب بغدادی؛ بی تا، ۱۳/ ۲۸۹؛ طبری، ۱۴۰۸ق، ۷/ ۵۱۲-۵۱۳).

#### الف) غلبه نص‌گرایی در قم

شهر قم خاصه در اواخر سده سوم، به صورت یکپارچه پایگاه شیعه امامیه بود (نیومن، ۱۳۸۶ش، ۱۶۴). در سخن از ارتباط میان مدرسه حدیثی کوفه و قم این‌که بر اساس دیدگاه یکی از محققان، تفکر نص‌گرایی عالم کوفی، هشام بن سالم جوالبقی در میان قمی‌ها در تقابل با نگاه عقل‌گرایی هشام بن حکم ادامه پیدا کرده است (گرامی، ۱۳۹۱ش، ۱۰۵). چه این‌که سیل معارف حدیثی روایت کوفی از طریق شخصیت‌هایی هم‌چون ابراهیم بن هاشم (۲۶۰ق)، حسین بن سعید اهوازی (د ۲۵۵ق)، محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب (د ۲۶۲ق)، حسن بن محبوب زراد (د ۲۲۴ق) و محمد بن سنان زاهری (د ۲۲۰ق) به قم روانه شد (نک: نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۱۶).

در این میان سعد بن عبدالله اشعری قمی هوادار جریان هشام بن سالم جوالبقی قلمداد می‌شده است. وی کتابی در رد اندیشه‌های هشام بن حکم و یونس داشته (مثلاً، هشام و یونس) و کتابی هم در رد بر رساله علی بن ابراهیم در نصرت هشام و یونس نوشته است (همو، ۱۷۸). گزارش طوسی نیز بیانگر آن است که یونس نزد قمی‌ها مورد طعن بود و او را تضعیف می‌کردند (شیخ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۶۴، ۳۹۴). عبدالله بن جعفر حمیری نیز با عنوان کتاب *ما بین هشام بن حکم و هشام بن سالم* به آراء گذشتگان از حدیث تاخته است (نک: نجاشی، ۱۴۲۴ق، ۲۲۰).

### ب) زمینه‌های نص‌گرایی قمیان

این شهر برخلاف دو شهر کوفه و بغداد، تضارب آراء از مذاهب گوناگون در آن وجود نداشته است. شیعه امامیه تنها مذهبی بوده که در قم نشو و نمو کرده و در گزارش‌های تاریخی از وجود دیگر مذاهب در این شهر نقل قولی نشده است (یاقوت حموی، ۱۳۸۰ش، ۴/۳۹۷). چه این که با توجه به دوری قم از مرکز خلافت و نیز رواج تشیع در آن، براحتی می‌توانسته پناهگاهی برای یاران ائمه (ع) باشد (جعفریان، ۱۳۸۰ش، ۱۹۶). بر خلاف کوفه و بغداد که مرکز رشد گرایش‌های فرقه‌ای شیعه و غالی بوده، در قم نمونه‌های واقفی و فطحی و امثال آن به ندرت به چشم می‌خورد (مادلونگ، ۱۳۸۷ش، ۱۵۳).

بر پایه نظر جباری، مهم‌ترین علل نص‌گرایی قمیان عبارت بودند از: اعتقاد قمیان به نقش محوری احادیث معصومین (ع) در فهم احکام دینی، وجود دید منفی نسبت به ادخال عقل در فهم شریعت با توجه به نوع عملکرد اصحاب رأی سنی، عدم تنقیح و تبیین صحیح قواعد اصولی و فقهی و نقش درست عقل در اجتهاد، احتیاط در فهم شریعت و احکام دینی، واخذ به قدر متقین، لزوم اهتمام به جمع و تدوین میراث حدیث شیعه، از جمله آن‌ها ست (نک: جباری، ۱۳۸۴ش، ۴۳۲-۴۳۶).

آنچه ذکر شد را نمی‌توان تمامی علل نص‌گرایی در میان قمی‌ها برشمرد؛ بلکه بعضی از آن‌ها هم‌چون تبعات ناشی از نص‌گرایی در میان ایشان متبلور بوده است. آنچه هم‌چون علل در این میان مغفول واقع شده، مربوط به جریان‌هایی است که بر جبهه‌گیری روایی دانشمندان این خطه اثرگذار بوده است. وجود گرایشی واحد در قم و نفوذناپذیری آن در رویارویی با دیگر فرق اسلامی در حالی که سابقه‌ای اینچنینی در دیگر مواضع جهان اسلام به ندرت دیده می‌شده است، باعث شد تا قمی‌ها از دید دیگر اندیشمندان بسان متعصب نیز دیده شوند (مستوفی، ۱۳۶۲ش، ۶۷).

این‌ها نشانگر آن است که محیط قم توانسته است به دور از جریان‌های متفاوت و تأثیرپذیری از آن‌ها به نشر تعالیم و آموزه‌های امامیه بپردازد و این خود در به‌وجود آمدن روحیه نص‌گرایی و معطوف شدن به متن روایات در جبهه‌گیری‌های فقهی نیز مؤثر واقع شده است. علاوه بر این که در این مدرسه به جهت پیروی از ظاهر حدیث‌ها و وارد نشدن در بحث‌های عقلی، شیعیان از فرقه‌گرایی و افراط‌گرایی به دور بودند (جعفریان، ۱۳۷۸ش، ۲/۱۹۶).

### پ) شکل‌گیری اصحاب حدیث شیعه

وجود جریانی به نام اصحاب حدیث در قم در شکل‌گیری رویکردهای حدیث محور و به تبع آن نص‌گرایی در میان عالمان قمی تأثیری شگرف داشته است. این اصطلاح نخست در میان اهل سنت در تقابل با اصحاب رأی پدید آمد و بستر شکل‌گیری و قوام این گروه از اندیشمندان اسلامی در کوفه و بغداد بود (نک: پاکتچی، ۱۳۷۹ش، ۱۱۴-۱۲۶). اما این اصطلاح در میان شیعه نیز استعمال شد؛ ولی از نظر زمانی متأخر از اصطلاح پیش‌گفته در میان اهل سنت.

بستر شکل‌گیری این اصطلاح در شیعه مربوط به سده ۳ق در شهر قم است و لذا برخلاف اصحاب رأی اهل سنت که به دلیل هم‌زمانی و هم‌جواری با فقه شیعه بسیار بر آن تأثیرگذار بوده است، نمی‌توان ارتباطی وثیق بین اصحاب حدیث اهل سنت و اصحاب حدیث شیعه پیدا کرد. در میان شیعیان، اصحاب حدیث عنوانی است که از سوی مکتب متکلمان امامیه چون شیخ مفید و سید مرتضی بر پیروان‌گرایش سنت‌گرای امامی مذهب اطلاق شده است (نک: مفید، ۱۳۷۷ش، ۶۸؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰ق، ۷۵/۲) و بدین وسیله سعی شده تا در سنت امامیه آنان را گروهی مشابه با اصحاب حدیث مشهور سنی معرفی کنند. هواداران این مکتب با اجتهاد به صورت یک عمل و کوشش فکری بر اساس استنباط عقلی میانه‌ای نداشتند و حتی استدلال‌های عقلی کلامی را که برای تقویت مذهب و در حمایت از نقطه نظرهای شیعی بکار می‌رفت، محکوم می‌کردند (برای نمونه، نک: ابن‌بابویه، ۱۴۱۴ق، ۷۴). درست حالتی که در میان پیروان مکتب اصحاب حدیث اهل سنت وجود داشت و احمد بن حنبل (د ۲۴۱ق) حتی از آن قسم کلام که در دفاع از اسلام بکار رود نیز نهی می‌نمود (ابن‌جوزی، ۱۹۷۹م، ۲۰۵).

حتی این نوع نگرش قمیان در این بازه زمانی از دید عالمان بعدی مخفی نمانده و آنان نیز به این رویکرد خاص ایشان اشاره کرده‌اند. سید مرتضی (د ۴۳۶ق) تصریح دارد که فقهای قمی همگی از محدثان (مرتضی، ۱۴۰۵ق، ۱۴۲) و مخالف با هر گونه استدلال و اجتهاد و تفکر عقلایی در جامعه شیعی بودند. شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) نیز آورده است که اکثریت فقهای شیعه در این دوره تا اواخر سده چهارم جزء پیروان این مکتب بودند (شیخ طوسی، ۱۴۰۳ق، ۲۴۸).

### ت) دانش‌های کلامی و عقلی در میان شیعیان قم

اصحاب حدیث امامیه در این دوران اعتقادات عقلی خود را نیز از متن روایات بر می‌گرفتند و

از این رو، آثار فقهی و کلامی خود را در قالب روایت‌ها می‌نوشتند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸ ش، ۳۸؛ انصاری، بی تا، ۱/ ۱۵۴-۱۵۷). روحیه نص‌گرایی قمی‌ها در موضوع کلام که صبغه‌ای عقل‌گرا دارد نیز متبلور بوده است. محدثان قم با متکلمان سخت در ستیز بودند (برای نمونه، نک: کشی، ۱۳۴۹ ش، ۴۸۹) و برخی از آنان روایات بسیاری در ذم و طعن دانشمندان و متکلمان می‌ساختند و به ائمه (ع) نسبت می‌دادند (برای مشاهده روایت، نک: برقی، ۱۳۸۳ ق، ۳۵؛ بزنتی، ۱۳۷۰ ق، ۴۷۸) و کتاب‌ها در این مورد تدوین می‌کردند (برای نمونه کتاب *مثالب هشام و یونس* از سعد بن عبدالله اشعری نک: نجاشی، ۱۴۲۴ ق، ۱۳۴).

گرایش فکری غالب در قم، حدیث‌گرایی با معیارهایی دقیق و سخت‌گیرانه در پذیرش حدیث بود. لذا نظریه‌پردازی‌های کلامی متکی بر داده‌های عقلی و تبیین‌های خارج از متن روایات در قم جایگاهی نداشت. در مجموع بیش‌تر مشایخ قم نسبت به جریان‌های کلامی خوش‌بین نبودند. رویارویی برخی از مشایخ قم با شخصیت و اندیشه‌های کلامی هشام بن حکم و شاگردانش را در همین زمینه می‌توان دانست. گزارش‌های تاریخی نیز موید همین تقابل‌هاست. چنانچه نقل شده احمد بن محمد بن عیسی (د ۲۸۰ ق) نسبت به یونس بن عبدالرحمان بدبین بود (نک: کشی، ۱۳۴۹ ش، ۶۵۳). علاوه بر آن سعد بن عبدالله (د ۳۰۰ ق) کتابی در *مثالب هشام و یونس* تألیف کرد (نک: نجاشی، ۱۴۲۴ ق، ۱۷۷). برقی نیز هشام بن حکم را اهل تجسیم معرفی می‌کرد (برقی، ۱۳۸۳ ق، ۳۵).

تا آنجایی که به کلام‌گرایی قمی‌ها مربوط می‌شود آن‌که در مراجعه به فهرست آثار شیخ صدوق، به بیش از سی کتاب در اثبات، تبیین و دفاع از آموزه‌های کلامی بر می‌خوریم (برای مشاهده، نک: نجاشی، ۱۴۲۴ ق، ۳۸۹). برخی از این آثار مانند *کتاب التوحید*، با انگیزه دفاع از اعتقادات شیعه به نگارش درآمده‌اند و به شیوه‌ای استدلالی و با استفاده از دلایل عقلی، به توضیح و تبیین احادیث پرداخته‌اند. بیان‌های صدوق در لابلای روایات و بهره‌گیری از استدلال‌های عقلی و کلامی، این ویژگی را به خوبی نمایش می‌دهد (نک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق، ۲۹، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۳، ۲۱۷، ۲۹۱).

لازم به ذکر است که هم زمان با استیلاء محدثان بر محیط علمی و مذهبی شیعه در نیمه دوم سده سوم و قسمت عمده سده چهارم، دو شخصیت ابن‌ابی‌عقیل (د ۳۳۰ ق) و ابن‌جنید (د ۳۸۱ ق) به

استفاده از شیوه استدلال عقلی می‌پردازند (برای اطلاع بیشتر از مبانی فقه ابن‌جنید، نک: پاکتچی، ۱۳۶۹ش، ۲۵۸-۲۵۹؛ برای اطلاع بیشتر از آراء فقهی ابن‌ابی‌عقیل، نک: پاکتچی، ۱۳۷۰ش، ۶۸۳-۶۸۴). اما این دو شخصیت در مقابل جریان مستحکم و پرتطرفدار اصحاب حدیث به چشم نمی‌آید و در مقابل آن نتوانست نقش آفرینی نماید. البته، در ادامه، مکتب اصحاب حدیث در دوره شیخ مفید و شاگردش شریف مرتضی (د ۴۳۶ ق) و بر اثر تلاش‌های این دو تن و انتقاد سخت این دو بر روش قشری آنان در هم کوبیده شد. مفید ردیه‌ای بر صدوق نوشت و در *مقابس الانوار فی الرد علی اهل الاخبار* مبانی اخباریان و اصحاب حدیث را سست کرد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸ش، ۴۵-۴۷؛ انصاری‌قمی، ۱۳۸۰ش، ۱۶).

### نتیجه

در حد فاصل سده دوم تا چهارم حدیث شیعه در سه منطقه جغرافیایی ظهور و بروز داشته است. نخست در کوفه، و سپس در بغداد و در نهایت در قم استقرار داشته است. دو عامل مناطق جغرافیایی و جریان‌های اثرگذار در آنها، در تغییر نگرش حدیثی اندیشمندان امامیه مؤثر واقع شده است. دو شهر کوفه و بغداد به دلیل وجود تضارب آراء گوناگون و همچنین اختلاط با اهل سنت، رویکردی درایی را به محدثان امامیه در این دو شهر القاء کرده است. اما شهر قم به دلیل فقدان اهل سنت و وجود مردم شیعه نشین در آن و همچنین فقدان فرقه‌های گوناگون از شیعه در آن، چهره‌ای از حدیث نص‌گرا را بر این شهر غالب کرده است.

از سویی دیگر وجود اصحاب رأی که قیاس و عقل را در استنباط احکام مؤثر می‌دانستند و همچنین جریان‌های مختلف کلامی که عقل‌ورزی را از فضای اعتقادی و کلامی وارد در مباحث فقهی کردند، باعث پرننگ شدن فقه درایی و عقلی در میان فقهای امامیه در دو بوم کوفه و بغداد شد. اما جریان غالب در بوم قم اصحاب حدیث بود که هر گونه عقل‌ورزی در استنباط احکام را ممنوع می‌دانست.



## منابع

- ۱- آصفی، محمد مهدی (بی‌تا)، *تاریخ فقه الشیعه*، مقدمه شرح المعه الدمشقیه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۲- ابن بابویه (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، *علل الشرایع*، نجف، مکتبه حیدریه.
- ۴- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، به کوشش سید هاشم حسینی تهرانی، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۵- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق)، *الاعتقادات فی دین الامامیه*، به کوشش عصام عبدالسید، بیروت، دارالمفید.
- ۶- ابن جوزی (۱۹۷۹م)، *مناقب الامام احمد بن حنبل*، قاهره، بی‌نا.
- ۷- ابن سعد، محمد (۱۹۰۴ق)، *الطبقات*، به کوشش زاخا و دیگران، لیدن.
- ۸- ابن شهر آشوب، محمد علی (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، نجف، مطبعه حیدریه.
- ۹- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، به کوشش علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- ۱۰- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲م)، *المعارف*، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، هیئة المصرية العامة للكتاب.
- ۱۱- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰ق)، *الفهرست*، تصحیح رضا تجدد، تهران، کتابخانه مروی.
- ۱۲- ابوغالب زراری، احمد بن محمد (۱۴۱۱ق)، رساله درباره آل اعین، ترجمه محمدرضا حسینی جلالی، قم، چاپخانه ربانی.
- ۱۳- اقبال، عباس (۱۳۵۷ش)، *خاندان نوبختی*، تهران، کتابخانه طهوری.
- ۱۴- انصاری قمی، حسن (۱۳۸۰ش)، «اخباریان و اصحاب حدیث امامیه»، *کتاب ماه دین* (شماره ۴۵-۴۶).

- ۱۵- انصاری، مرتضی بن محمد امین (بی تا)، *فرائد الاصول*، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۶- متز، آدم (۱۳۶۴ش)، *تمدن اسلامی در سده چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران، امیرکبیر.
- ۱۷- بحرالعلوم، سید محمد مهدی (۱۳۶۳ق)، *رجال*، تهران، منشورات مکتبه الصادق (ع).
- ۱۸- بخش معارف (۱۳۷۴ش)، «آل اعین»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد اول، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۹- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۸۳ق)، *رجال البرقی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰- \_\_\_\_\_ (بی تا)، *المحاسن*، قم، منشورات دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی، قم، اسلامیة
- ۲۲- بزنتی، احمد بن محمد بن ابی نصر (۱۳۷۰ق)، *الجامع* در پایان سرائر ابن‌ادریس، تهران.
- ۲۳- پاکتچی، احمد (۱۳۷۴ش)، «ابن جنید»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد سوم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۴- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴ش)، «اختلاف الحدیث»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد هفتم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۵- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴ش)، «ابن بابویه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد سوم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۶- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹ش)، «اصحاب حدیث»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد نهم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۷- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹ش)، «اصحاب رأی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد نهم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۸- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳ش)، «بغداد: علوم و معارف دینی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد دوازده، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۹- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ش)، *مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- ۳۰- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ش)، *مبانی و روش اندیشه علمی امام صادق*، جمعی از نویسندگان، به کوشش احمد پاکتچی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ش)، «گرایش‌های فقه امامیه در سده دوم و سوم هجری»، *نامه فرهنگستان علوم*، سال سوم، شماره ۴.
- ۳۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ش)، *ابعاد شخصیت و زندگی امام صادق (ع)*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳۳- پیروزفر و موسوی سهیلا و سعیده سادات (۱۳۹۴ش)، «بررسی روایات لعن زرارة بن اعین با توجه به جریان‌های کلامی امامیه»، *مجله علوم حدیث* (ش ۷۵).
- ۳۴- جباری، محمد رضا (۱۳۸۴ش)، *شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا سده پنجم هجری*، آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر.
- ۳۵- جعفریان، رسول (۱۳۸۰ش)، *تاریخ تشیع در ایران*، قم، انتشارات انصاریان.
- ۳۶- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ش)، *تاریخ ایران اسلامی*، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۳۷- حتی، فیلیپ خوری (۱۳۶۶ش)، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات آگاه.
- ۳۸- حسنی، هاشم معروف (۱۴۰۷م)، *تاریخ الفقه الجعفری*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۳۹- خضری، احمد رضا (۱۳۸۴ش)، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران، سمت.
- ۴۰- خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی تا)، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۴۱- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
- ۴۲- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۶ق)، *الامصار ذوات الاثار*، به کوشش قاسم علی سعد، بیروت، دار البشائر الاسلامیه.
- ۴۳- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، *سیر أعلام النبلاء*، به کوشش شعیب الأرنؤوط، بیروت، موسسه الرساله.
- ۴۴- رحیمی پور و فلاح زاده، روح الله و سید حسین (۱۳۹۳ش)، *چگونگی و زمان‌گرایی*

- خاندان اعین به تشیع، *تاریخ اسلام*، دوره پانزدهم، شماره سوم).
- ۴۵- سبحانی، جعفر (۱۳۸۷ش)، *تاریخ فقه و فقه‌های امامیه*، ترجمه حسن جلالی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۴۶- سبحانی، محمد تقی (۱۳۹۵ش)، *جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد*، به کوشش محمد تقی سبحانی، قم، موسسه دارالحدیث.
- ۴۷- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۰ق)، *الشافعی*، قم، موسسه اسماعیلیان.
- ۴۸- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۵)، *رسائل الشریف المرتضی*، به کوشش احمد حسینی، قم، دارالقرآن الکریم.
- ۴۹- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۶ش)، *تهذیب الاحکام*، تهران، اسلامیه.
- ۵۰- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ش)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، به کوشش محمد باقر بهبودی، تهران، مکتبه المرتضویه.
- ۵۱- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق)، *عده الاصول*، به کوشش محمد مهدی نجف، قم، موسسه آل البيت.
- ۵۲- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق)، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، بیروت، دارالاضواء.
- ۵۳- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، *الرجال*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین.
- ۵۴- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۲ق)، *الفهرست*، به کوشش جواد قیومی، قم، نشر الفقاهه.
- ۵۵- صبیحی، احمد محمود (۱۴۰۵ق)، *فی علم الکلام*، بیروت، دارالنهضة العربیه.
- ۵۶- صفار، محمد بن حسن (۱۳۶۲ش)، *بصائر الدجات*، تهران، موسسه اعلمی.
- ۵۷- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۰۳ق)، *المصنف*، به کوشش حبیب الرحمان اعظمی، بیروت، اسلامیه.
- ۵۸- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق)، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت، الدارالکتب العلمیه.
- ۵۹- عید نفیسه، محمد محمد (۱۴۳۱ق)، *اثر الفلسفه اليونانیه فی علم الکلام الاسلامی حتی القرن السادس الهجری*، دمشق، دارالنوادر.
- ۶۰- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۷ش)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله

- کسایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶۱- فضلی، عبدالهادی (۱۴۱۴ق)، *تاریخ التشريع الاسلامی*، تهران، موسسه دارالکتب الاسلامی.
- ۶۲- کشی، محمد (۱۳۴۹ش)، *معرفة الرجال*، اختیار شیخ طوسی. به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، مرکز تحقیقات و مطالعات دانشگاه مشهد.
- ۶۳- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۶۴- گرامی، محمد هادی (۱۳۹۱ش)، *نخستین مناسبات فکری تشیع*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۶۵- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۵ش)، *تاریخ فقه و فقها*، تهران، سمت.
- ۶۶- گوتاس، دیمیتری (۱۳۸۱ش)، *تفکر یونانی با فرهنگ عربی نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی*، ترجمهٔ محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۶۷- مادلونگ، ویلفرد (۱۳۸۷ش)، *کلام معتزله و امامیه مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانی*، ترجمهٔ جواد قاسمی، مشهد، بنیان پژوهش‌های اسلامی.
- ۶۸- مالک بن انس (۱۳۷۰ق)، *الموطأ*، به کوشش محمد فواد عبدالباقی، قاهره، دار احیاء التراث العربی.
- ۶۹- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- ۷۰- مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۳۶۸ش)، *مقدمه‌ای بر فقه شیعه*، ترجمهٔ محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۷۱- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲ش)، *نزهة القلوب*، تصحیح لیسترنج، تهران، دنیای کتاب.
- ۷۲- مشکور، محمد جواد (۱۳۶۸ش)، *تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام*، تهران، کتابفروشی اشراقی.
- ۷۳- معارف، مجید (۱۳۷۶ش)، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، موسسه فرهنگی و هنری ضریح.
- ۷۴- معروف حسنی، هاشم (۱۳۶۱ش)، *تاریخ فقه جعفری*، تهران، دفتر نشر کوکب.

- ۷۵- مفید، محمد بن محمد (بی تا). *الفصول المختارة من العیون و المحاسن* (گزینش سید مرتضی)، نجف.
- ۷۶- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، *الجمل*، قم، مکتبه الداوری.
- ۷۷- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق)، *المسائل السرویه*، به کوشش صائب عبدالحمید، بیروت، دارالمفید.
- ۷۸- \_\_\_\_\_ (بی تا)، *المسائل الصاغانیه*، قم، مکتبه المفید.
- ۷۹- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق)، *اوائل المقالات*، بیروت، دارالمفید.
- ۸۰- منیرالدین، احمد (۱۳۶۸ش)، *نهاد آموزش اسلامی*، ترجمه محمد حسین ساکت، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۸۱- میانجی، علی (۱۴۲۶ق). *مکاتیب الائمة (ع)*، به کوشش مجتبی فرجی، قم، دارالحدیث.
- ۸۲- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۲۴ق)، *الرجال*، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین.
- ۸۳- نیومن، اندور جی (۱۳۸۶ش)، *دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی گفتمان حدیثی میان قم و بغداد*، ترجمه و نقد موسسه شیعه شناسی، قم، شیعه شناسی.
- ۸۴- هولت، پیتر مالکوم (۱۳۸۳ش)، *تاریخ اسلام کمبریج*، ترجمه تیمور قادری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۸۵- یاقوت حموی (۱۳۸۰ش)، *معجم البلدان*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۸۶- یحیی محمد (۱۳۸۸ش)، *درآمدی بر فهم روشمند اسلام*، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۸۷- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۸۳ش)، «ابن ابی عقیل»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد دوم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.